

خانم‌ها را باور دارم

بیشتر نیروهایی که در شرکت‌های صاحبکار به خصوص در بخش خدمات چاپ مشغول کارند، خانم هستند. صاحبکار در این مورد می‌گوید: «من خانم‌ها را خیلی باور دارم. شکل کار کردنشان فرق می‌کند. کاری را انجام نمی‌دهند و نمی‌پذیرند اما اگر انجامش دادند، با بیشترین دقت و علاقه است. دقت کار، تعهد، صداقت و امانت‌داری خانم‌ها مثال زدنی است؛ برای همین ۹۰ درصد کارکنان شرکت‌های من را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. من هم برای اینکه محیطی امن و آرام برایشان فراهم کنم، از هیچ کاری دریغ نمی‌کنم.»

ایجاد شغل مهم است، ولی...

همه هدف صاحبکار از ساعت‌های متعددی کار کردن، ایجاد اشتغال برای جوانان این سرزمین است، طوری که می‌گویند سال گذشته با ایجاد اشتغال برای ۱۰۰ نفر، وی کار آفرین برتر کشور شناخته شد، با این وجود صاحبکار معتقد است که: «ایجاد اشتغال مهم است ولی باید جوان ایرانی بیشتر از این‌ها کار کند. در واقع تا وقتی جوان ما پنج‌شش ساعت کار می‌کند تا آموزش زندگی‌اش بگذرد، آمیدی به موفقیتش نیست.»



آداب موفقیت

صاحبکار کار کردن را از آداب موفقیت می‌داند و می‌گوید: «خودم تا ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنم. پسرم ۷ ساله هم همین‌طور است. او تمام کارهای این مجموعه را بلد است. در واقع نمی‌توان انتظار داشت فردی از راه پرسد و پشت میز مدیریت بنشیند اما کار بلد نباشد. به زبان ساده‌تر باید در آن کار، استخوان خردکنی یا به قول هنرمندان، خاک صحنه بخوری. صاحبکار به پسرش نگاهی می‌اندازد و ادامه می‌دهد: «پسرم ۲۶ سال دارد. از وقتی فارغ التحصیل شده است، با علاقه در این مجموعه کار می‌کند. در همه زمینه‌ها هم کار را گرفته است و می‌تواند اشکالات بقیه را رفع کند. او از ۸ صبح تا ۱۰ شب کار می‌کند. گاهی نیاز است با همکاران در استرالیای هم‌فکری کنند و چون ساعتان با آنجا اختلاف دارد، او مجبور است تا نیمه شب بیدار بماند.»



معرفی هنر ایرانی به دنیا

نمونه کاری که صاحبکار تولیدش را با بنیاد کودک آغاز کرد، مدتی پیش برای دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام داد: «در قالب تئاتر با این دانشگاه، سردیس پزشکی که در اولین سمینار پزشکی خاورمیانه در مشهد حضور داشتند، ساخته شد. در نمایشگاهی به صورت تئاتر با آن‌ها، ۱۵ نمونه کار برایشان بردیم. پزشکان خارجی و حتی ایرانی از دیدن نمونه کارهای ما تعجب کرده بودند. فکر می‌کردند سردیس‌ها اروپایی یا آمریکایی است. پزشکان در غرفه ما اسکن شدند. بعد از یک ماه تا ۴۰ روز سردیس پزشکان به کشورهایشان فرستاده شد. رئیس سازمان جهانی غذا هم در بین چهره‌ها بود.»

صاحبکار معتقد است: «فرستادن جعبه‌ای شکل، حامل سردیس پزشکی از کشورهای مختلف دنیا، هنر ایرانی مشهدی را به جهان معرفی می‌کند.»

ساخت مجسمه‌های یک‌به‌یک

مجسمه یک‌به‌یک اندازه واقعی افراد است. صاحبکار این نوع مجسمه را برای اولین بار در موزه مادام توسو در سیدنی استرالیا می‌بیند: «برای اولین بار مجسمه یک‌به‌یک را دیدم اما جنس مجسمه‌ها سخت بود. آن قدری هم که بچه‌های ما با ظرافت روی مجسمه‌ها کار می‌کنند، دقیق نبودند. بعد از یک ماه، مجسمه یک‌به‌یک «یانی» موسیقی‌دان را ساختیم؛ نمونه‌ای که حالا در مجتمع تجاری آرمینا مشهد قرار دارد. این نمونه آن قدر واقعی است که وقتی به نظافتچی گفتیم برود در اتاقی را که یانی در آن حضور دارد قفل کند، متوجه نشده بود واقعی نیست. ترسیده بود و می‌گفت هر چه به آن آقا گفتم می‌خواهم در را قفل کنم، چیزی نگفت!»

وی در مورد تفاوت کاری که خودش ارائه کرده با کاری که در موزه مادام توسو از چهره‌های معروف ارائه شده است، می‌گوید: «در بزرگ‌ترین موزه دنیا هم از تکنولوژی ما استفاده نشده است؛ چون ما با پروتز، حجم‌رانی می‌سازیم. حجمی که ساخته می‌شود، مانند بدن انسان نرم است و مانند مجسمه‌های موزه مادام توسو سخت و شکننده نیست. در واقع ما از مواد پزشکی هم‌رنگ و هم‌جنس بدن انسان در کارمان استفاده می‌کنیم؛ البته کار در این قالب به دلیل افزایش چشمگیر هزینه، نیاز به پشتیبانی مالی دارد.»



تا وقتی جوان ما پنج‌شش ساعت کار می‌کند تا آموزش زندگی‌اش بگذرد، آمیدی به موفقیتش نیست



با خلاقیت، محدودیت‌ها را دور زدیم

تحریم‌ها و در دسرها، دامنگیر صاحبکار و زمینه کاری‌اش هم شده است: «برای تهیه مواد اولیه خیلی اذیت شدیم؛ البته تحریم‌ها باعث نوآوری هم شده است؛ مثلاً برای پروتز دندان، فلزی نیاز است که آن را به کشور ما نمی‌دهند، بنابراین مجبور شدم چندین آلیاژ را در دماهای مختلف، ذوب و ترکیب کنم تا به فلز مدنظر برسم، طوری که بالاخره به ترکیب دلخواه با کیفیتی که آلمان ارائه می‌کند، رسیدیم. آن‌ها نه فرمول آن آلیاژ را به ما دادند و نه خود آلیاژ را، اما ما به آن رسیدیم. محققان لائوتارو مانیز با تحقیقات و آزمون و خطا بسیاری از مواد مورد نیاز را خودشان می‌سازند.»

اوسیس به همکاری‌اش با دانشکده دندان پزشکی دانشگاه فردوسی اشاره می‌کند و می‌گوید: «با این دانشکده هم در زمینه ساخت مواد اولیه و تجهیزاتی که دنیا به ایران نمی‌داد، همکاری موفقیت‌آمیزی کردیم. همچنین چند سال پیش در حوزه ایمپلنت دندان، به قطعه‌ای نیاز داشتیم که آن را به ما نمی‌دادند و ما با استفاده از تکنولوژی چاپگر سه‌بعدی، آن قطعه را که داخل استخوانی است، برای هر فرد مختص خودش طراحی کردیم. نرم‌افزار این کار را مهندسان ما از میان هزاران نرم‌افزار و با ترکیب نرم‌افزارهای مختلف درست کردند؛ نرم‌افزاری که پایه‌اش نرم‌افزار جواهرسازی بود، در حالی که نرم‌افزار خارجی، ۲۰ هزار یورو هزینه دارد که به ما نمی‌فروشد.»

در پایان گفت‌وگو با بخش‌های مختلف شرکت، بازدید کردیم. بخشی که در آن فرد، اسکن سه‌بعدی می‌شد. بخشی که تصاویر در آن بافتوشاپ تصحیح می‌شد. بخشی که تصاویر را سیستم‌ها به پرینترهای سه‌بعدی می‌فرستادند و بخش رنگ آمیزی. در همه این بخش‌ها تنها یکی دو مرد حضور داشتند. شرکت پر بود از بانوان هنرمندی که هنرشان از مشهد به دنیا صادر می‌شد.